

# صف بندی های تازه در وضعیت ناپایدار سیاسی

عبدالله هروی



اندر بنگریم هویت و گذشته آنان برای مردم ناشناخته نیستند. بخصوص این که اغلب آنان در طی سال های گذشته در سیاست و حکومت داری کشور بگونه ای نقش کلیدی داشته اند و اکثریت شان هم از کارگزاران گذشته دولت بوده اند. بنابر این اکنون مردم در بی این نیستند که این ائتلاف ها وصف بندی های سیاسی فقط ائتلاف ها و وصف بندی های سیاسی فقط در اسم چگونه وجود آمده اند بلکه برای شان این مهم است که بدانند این چهره ها و جریان های شناخته که به زعم خود کشور و نظام سیاسی گردهم آمده اند تا چه جویی و چاره سازی نمایند چه طرح و برنامه ای را برای بهبود بخشیدن به وضعیت سیاسی متشتت و از هم گسیخته سیاسی کشور در دست دارند؟ آنان برای این که کشور بیش از این در کام بحران فرو نرود چه می توانستند؟ و چه برنامه و دستور کاری در برابر آن قرار دادند؟ زیرا به تجربه ثابت شده است که انتقاد از وضعیت موجود، نه تنها حرف تازه ای نیست؛ بلکه سال های گذشته در نقش منتقد را بازی کرده اند و در مواردی متأسفانه پیامد منفی هم داشته است.

بدین جهت انتظار برده می شود که صف بندی های جدید سیاسی در قالب شورا یا ائتلاف و... در نخست از درون جامعه سرپلند نماید تا بتواند به صدای مردم

سیاسی ایجاب می نماید که برای بهبود بخشیدن به این نوع از فعالیت ها یک ارزیابی دقیق و آسیب شناسانه داشته باشیم. در این ارزیابی باید مشخص گردد که صف بندی های سیاسی جدید بر محور کدام منافع شکل یافته اند؟ آیا گردهم آمدن آنان حول محور منافع مشترک تا چه اندازه بنیادین می باشد؟ آیا این صف بندی ها فقط یک حرکت مقطعی و بسیار کوتاه مدت نخواهد بود؟ آیا با نزدیک شدن به زمان های انتخاباتی این ائتلاف ها بسادگی از هم نخواهد گسیخت؟ و... البته از یک واقعیت ناخوشایند دیگر نمی توان چشم پوشید که یکی از ویژگی های کشورهای در حال گذار یا توسعه نیافته همین است که بی ثباتی در همه عرصه ها از جمله در عرصه صف بندی های سیاسی نیز وجود دارد. اما مهم آنست که کوشش کرد تا بر چنین کاستی غلبه نموده و آن را رفع کرد.

بنابراین همانطور که در آغاز اشاره گردید شوراها و ائتلاف های بسیاری در طی سال های گذشته به وجود آمدند، اما در همان مراحل اولیه کار به دلیل کاستی های یاد شده و نیز وجود اختلاف ها و دیگر عوامل و زمینه ها بسادگی از هم متلاشی شدند. حال اگر به چهره ها و جریان هایی که ائتلاف ها و صف بندی های جدید سیاسی را بی ریزی نموده

چنین طیف های سیاسی گوناگون نیز نسبت به روند جاری و وضعیت سیاسی ناراضی بوده و از آینده کشور و نظام سیاسی اظهار نگرانی می نمایند. بخصوص این که تاکنون بسیاری از پروژه های ملی و موضوعات اساسی ملی هم چون مسئله انتخابات پارلمانی و توزیع تذکره الکترونیکی و رفع مسئله سرپرستی ها و... هم چنان در هاله ای از بلاتکلیفی قرار دارد.

بنابراین مجموع مسایل یاد شده سبب گردیده است که بخشی از نیروهای سیاسی کشور دست به کار شده و تلاش هایی را برای صف آرا سیاسی برای بهبود بخشیدن به وضعیت امروز و فردای جامعه به راه اندازند. در شرایط کنونی بار دیگر ائتلاف های تازه در حالی اعلام موجودیت نموده اند که در یک سال گذشته، از زمان اعلام حکومت وحدت ملی حداقل صحنه سیاست کشور، از وجود و حضور ائتلاف های سیاسی خالی بوده است. بر بنیاد آنچه گفته شد هر چند از اظهار و جود ائتلاف های جدید و صف بندی های سیاسی استقبال نموده و آن را می توان نوعی پویایی و زنده بودن جامعه در عرصه سیاست تلقی کرد، ولی بر اساس برخی تجارب از گذشته از یاد آوری بعضی نکته ها نیز در ارتباط با تشکل های جدید سیاسی و صف بندی های نمی توان بی توجه عبور نمود. تجارب گذشته فعالیت های سیاسی و صف آرای های جریان های

در روزهای اخیر عرصه سیاسی کشور شاهد تلاش ها و کوشش هایی است که نشان دهنده صف آرای جدید سیاسی می باشد. در روزهای گذشته در ارتباط با اوضاع جاری کشور حداقل تا هنوز دو ائتلاف عمده سیاسی اعلام موجودیت کرده اند. در نخست برخی از چهره ها و جریان های سیاسی و جهادی ائتلاف جدیدی را بوجود آورده و بنام شورای حراست و ثبات افغانستان اعلام موجودیت نمودند. پس کشور اعلام موجودیت نمودند. صف آرای های سیاسی هر چند در عرصه سیاست کشور و جامعه ای یک امر طبیعی شمرده می شود، اما نمی توان نادیده انگاشت در برخی موارد صف بندی های سیاسی و اعلام موجودیت تشکل های سیاسی نشان از تغییر و دگرگونی در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن جامعه و کشور دارد. بدین جهت می توان اظهار داشت که اعلام ائتلاف های جدید و صف بندی های جدید سیاسی نشان از تغییر و فرازونشیب تند در جامعه ما و عرصه سیاسی کشور دارد. بر همدان روشن است که در تشکیل حکومت وحدت ملی متأسفانه روند سیاسی جامعه آنگونه که انتظار می رفت بسوی ثبات و آرامش پیش نرفت. از جانب دیگر مسئله حکومت داری و مبارزه با فساد علی رغم کوشش های ظاهره تاکنون نه تنها نتیجه بخش نبوده، بلکه متأسفانه دست مافیای اقتصادی و اداری و سیاسی هنوز باز تر گردیده است. مسئله امنیت نیز در کشور هر روز دچار بحران گردیده و دایره امنیت برای عادی ترین شهروند کشور در امن ترین نقطه کشور هم چون پایتخت مسئله سساز و نگران کننده شده می رود. فقر و بیکاری و مهاجرت هم وطنان به خارج هر روز دامنه های گسترده تر و فاجعه بارتی برخورد می گیرد. هم اکنون ده هزار جوان تحصیل کرده در دوره ها و صنوف یازده و دوازده و دانشگاه ها در مسیر هجرت و فرار از وطن قرار گرفته اند. آن شمار از تحصیل کردگان که هنوز در وطن باقی مانده اند هم چنان بیکار هستند و صدای شان نیز بگوش شنوایی نمی رسد. هم

## سرمقاله جدال های ناتمام میان کمیسیون ها

علی قادری

آخرین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بحرانی شد. دو تیم کلان انتخاباتی بر اساس مصلحت سیاسی وارد توافق سیاسی شدند. در توافق صورت گرفته جدا از مسئله تقسیم قدرت میان دو نیم انتخاباتی یکی از موارد مهم توافق صورت گرفته آوردن اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات بود. بعد از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی کمیسیون ویژه اصلاح نظام انتخاباتی با فرمان رئیس جمهور شکل گرفت. در قدم بعدی کمیته گزینش آغاز به کار کرد. بناست کمیته گزینش ۲۷ نفر را از میان متقاضیان عضویت در کمیسیون مستقل انتخابات برگزیدند و رئیس جمهور از میان آن ها ۹ نفر را به عنوان عضو این کمیسیون انتخاب نماید. مسئله آوردن اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات و نظام انتخاباتی افغانستان در کمیسیون مستقل انتخابات و نظام انتخاباتی یک مسئله دامنه دار شده است. کمیسیون ویژه اصلاح نظام انتخاباتی وقتی آغاز به کار کرد و پیشنهاد تعدیل در نظام انتخاباتی افغانستان را نمود اما، از سوی مجلس نمایندگان رد شد. آن ها استدلال کردند که بر اساس قانون اساسی مجلس نمایندگان حق ندارد، تعدیل قانون انتخابات را در دستور کار خود قرار دهد. در همین حال، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات بیان داشت که کار کمیته گزینش غیر قانونی است. زمانی که کمیسیون ویژه اصلاح نظام انتخاباتی نیز فعالیت آغاز کرد و بسته پیشنهادی خود را به منظور آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی ارائه نمود، نقد ها و جنجال های زیادی بر پا شد که کمیسیون ویژه اصلاح نظام انتخاباتی حتی تغییر سیستم و نظام انتخاباتی را ندارد آن ها باید در مکانیسم ها و روش های کار کمیسیون مستقل انتخابات اصلاحات آورد. این جنجال ها اما، نتیجه ای در پی نداشت. اکنون مسئله این است که اگر جدال ها ادامه یابد آیا امکان برگزاری انتخابات و آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی و کمیسیون مستقل انتخابات ممکن است؟

در وضعیت کنونی اما، آنچه اهمیت دارد مشروعیت حکومت است. اگر معیار را قانون اساسی در نظر بگیریم در قانون اساسی کشور پست ریاست اجرائیه تعریف نشده است. همین مسئله، مشروعیت حکومت را زیر سؤال برده است. اگر چه، در توافق صورت گرفته میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله این مسئله نیز گنجانده شده بود که سرنوشته پست ریاست اجرائیه را بر با برگزاری لوی جرگه قانون اساسی مشخص می کند اما تا هنوز هیچ صدای از دو طرف مبنی بر برگزاری لوی جرگه قانون اساسی شنیده نمی شود. آوردن اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات و با نظام انتخاباتی از جمله مواردی بود که در توافق سیاسی میان دو طرف گنجانده شده بود. اکنون آوردن اصلاحات و تعدیل قانون انتخابات به بن بست رسیده است. مسئله مهم این است که مجلس نمایندگان مشروعیت ندارد تا قانون خلق کند و با تعدیل در قوانین کشور به وجود آورد. زیرا، دوره قانونی آن ها به پایان رسیده است. این مسئله آوردن اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات و نظام انتخاباتی را با بن بست مواجه ساخته است. بنابراین، آوردن اصلاحات منضم آن است که مجلس مشروعیت لازم برای تعدیل قوانین را نداشته باشد. اکنون برای برداشتن قدم بعدی لازم است که اعضای جدید کمیسیون مستقل انتخابات بر اساس توافق میان دو طرف انتخاب گردد. به جای تعدیل قانون انتخابات و نظام انتخاباتی به آوردن اصلاحات در مکانیسم ها و روش های کار کمیسیون مستقل انتخابات بسنده کند. زیرا، رئیس جمهور و رئیس اجرائیه می تواند به این مهم دست یازد. ما برای تغییرات و اصلاحات بنیادی نیازمند به مجلس قانونی می باشیم. این کار زمانی ممکن می گردد که با اصلاحات اندک و تضمین شفافیت انتخابات، انتخابات پارلمان برگزار شود تا زمینه و فرصت قانونی برای آوردن تعدیل در قانون انتخابات فراهم گردد. در غیر آن ما به یک دور باطل می چرخیم. سخن من این است که ما میان آوردن اصلاحات بنیادی در قانون انتخابات و برگزاری انتخابات پارلمانی باید برگزاری انتخابات پارلمانی را برگزار نمایم. زیرا، بدون یک پارلمان مشروع ما قادر به هیچ گونه تغییرات و اصلاحات در نظام انتخاباتی و قانون انتخاباتی نمی باشیم. برگزاری انتخابات پارلمانی و شورا های ولسوالی کمکی بزرگی در برگزاری لوی جرگه قانون اساسی نیز می کند. حکومت موظف است که لوی جرگه قانون اساسی را برگزار نماید. در شرایط کنونی امکان برگزاری لوی جرگه قانون اساسی نیز ممکن نیست. زیرا، ما نه شورا ولسوالی داریم و نه مجلس نمایندگان ما مشروعیت دارد. مجلس نمایندگان و مجلس سنا از اعضای مهم و اساسی لوی جرگه قانون اساسی می باشد. در صورتی که دو مجلس مشروعیت قانونی نداشته باشد، مشروعیت لوی جرگه قانون اساسی نیز زیر سوال می رود.

# آیا کمیشنران بی طرف بر گزیده خواهد شد؟

عبدالرحمن فهیمی



عمومی جامعه، انتقال آن ها به دولت و قدرت سیاسی حاکم، تحت فشار قراردادن قدرت سیاسی جهت رسیدگی به خواسته ها و نگرش، جامعه مدنی مجموعه از نهادها، موسسه ها، انجمن ها و تشکل های خصوصی و غیر خصوصی است که برای تحقق اهداف ذکر شده می کوشند و به دولت، احزاب، الیت های سیاسی و گروه های فشار وابسته نیستند.

اکنون به پرسش هایی که در دستور پیشین مطرح شد بر می گردیم. به نظر می رسد که نهادها، انجمن ها و موسسه هایی که تاکنون در کشور فعال هستند، بی طرف و مستقل نبوده و به یکی از احزاب، الیت های سیاسی و حتی دولت وابسته بوده اند. این نسیاستی نمی خواهد منفی نگری کند، اما این یک واقعیت اجتماعی جامعه ماست. نهادها و چهره هایی که تحت عنوان جامعه مدنی فعالیت می کنند، مستقل و بی طرف نبوده و به یک جایی وابسته اند. در مواقع برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به خوبی می شود رفتارهایی این نهادها را نظاره کرد. یک هفته در مراسم مجلل در یکی از لوکس ترین هتل ها کابل از یک نامزد و در هفته بعدی از نامزد دیگری حمایت می کنند. در تانک تر و تلخ تر زمان است که جهت گیری های نهادهایی مدنی رنگ و بوی قومی نیز به خود بگیرد. فعال مدنی از فلان قوم و تبار بسا جریان ها و الیت های سیاسی همان قوم رابطه دارد و خواسته هایی عمومی یک حوزه خاص را بازتاب خواهد داد. بنابراین نمی توان از جامعه مدنی به صورت دقیق سخن زد. زیرا نهادهایی موجود اصل مهم بی طرفی و استقلال رعایت نمی کنند. از این منظر، نمی شود به حضور نماینده جامعه مدنی در ساختار کمیته گزینش کمییشنران انتخاباتی امیدوار بود و دل خوش کرد. زیرا افراد وابسته به نهادهایی مدنی نیز به همین آسنادگی نمی توانند نتوانسته اند پایی شان را از فرش تفرکات سنتی و قدیمی بیرون کنند. اگر چنین نمی بود مدت ها بر سر معرفی نماینده مورد نظر اختلاف درز نمی کرد.

پس کمییشنران مانند گذشته بر اساس روابط و فشارهای سیاسی گزینش خواهند شد و بیم می رود که همان کاسه و همان آش لب سوز در انتظار مردم باشد.

مشخص شده، گام مثبتی است و امیدواری وجود دارد که حکومت تدابیر لازم به ویژه تدابیر امنیتی را اتخاذ کند. بحث مهم و مسلط در عرصه انتخابات این بوده و هنوز است، که «کمییشنران» پیشین انتخاباتی بر مبنای «روابط و زدوبندهای» سیاسی انتخاب شده و در مدیریت سالم فرایند کلان و مهم ملی مانند انتخابات ناکام ماندند. نقد که وارد کرده بودند این است که در کمیته گزینش پیشین، نماینده جامعه مدنی حضور نداشته است. این که چادر در کمیته گزینش پیشین نماینده جامعه مدنی عضویت نداشت، بحثی است که حکومت و مجامع مدنی به صورت متقابل همدیگر را مقصر دانسته و محکوم می کنند. اکنون نماینده جامعه مدنی در ساختار کمیته گزینش حضور دارد و به صورت عموم امیدواری وجود دارد که از گزینش بر مبنای روابط و زدوبندهایی سیاسی جلوگیری صورت گیرد.

حالا پرسش این است که آیا نهادها، مؤسسه ها، انجمن ها و مجامع را که تحت عنوان جامعه مدنی فعالیت می کنند، می توان جامعه مدنی خواند؟ آیا این مجامع با جریان های الیت ها و احزاب سیاسی رابطه نداشته و بر مبنای روابط سیاسی رفتار نمی کنند؟ و در صورت که این مجامع نیز مستقل نبوده و تحت تاثیر جریان ها و الیت ها و گرایش های سیاسی حاکم باشند، آیا زمینه ای گزینش کمییشنران مستقل و بی طرف فراهم خواهد شد؟

جهت پاسخ به این پرسش ها، نگاه به «جامعه مدنی» و معناها و مهم ترین معنای مسلط آن می اندازیم.

جامعه مدنی در برابر واژه انگلیسی civil society - به کار می رود. واژه civil society واژه لاتین civis مشتق شده که در دوران قدیم به معنای جامعه شهروندان به کار می رفت (بیات، عبدالرسول، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

امروزه نیز در قاموس سیاسی و حقوقی به معنای مدنی و شهروندی به کار می رود. جامعه مدنی از بدو پیدایی یعنی دولت شهرهای یونان قدیم تحولات و تطورات معنایی فراوان داشته است. در دولت شهرهای یونان، در عصر پایان حکومت های نمایندگان و نوادگان خدا و طرح بحث قرارداد اجتماعی توسط فیلسوفان سیاسی مانند توماس هابز و دوران مدرن معناهایی گوناگون داشته است.

پس از مدت ها بحث و اعلام نگرانی، «کمیته گزینش» آغاز به کار کرد و رئیس جمهور تاریخ برگزاری «انتخابات» پارلمانی و شوراها محلی را به صورت مهم مشخص کرد. میهم بدین معنا که تاریخ برگزاری این بین تابسستان و خزان سال آینده مطرح کرده و به صورت دقیق مشخص نکرده است. پس از این که زمان قانونی پارلمان به پایان رسید، نمایندگان بر اساس لزوم دید ریاست جمهوری، به کار ادامه داده و در فضای فقدان مشروعیت حقوقی پیش می روند. به هرحسرت، این که تاریخ برگزاری انتخابات



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کارکنان: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

